

The Status of Women in the Heavenly Books: Torah, Bible, and Quran (A Comparative Study)

Ashraf Boroujerdi

Assistant Professor Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
abrujerdi@yahoo.com

DOI: [10.22034/iscw.2023.713433](https://doi.org/10.22034/iscw.2023.713433)

Original Research

Received:

2023-05-27

Accepted:

2023-09-11

Keywords:

Quran,
Bible,
Torah,
Status of
Women,
Social
Presence,
Political
Participation

Abstract: This article discusses the status of women based on the heavenly books and Abrahamic religions (Islam, Christianity, and Judaism), which are the proponents of monotheism. It approaches this discussion with the understanding that Christianity and Judaism have undergone distortions over time. Today, the Bible (the holy book of Christianity) is considered in its four books: Matthew, Mark, Luke, and John (the New Testament or the Holy Scriptures), written between 66 and 110 AD. The Jewish books, which are very extensive but are collectively referred to as the Hebrew Torah and the Samaritan Torah, are also considered. This article examines the social status and position of women in these three religions in the present era, based on the concepts of creation, family, and society. In terms of creation, there are deep differences in the approach to the creation of women and men, but these differences are essentially minor. However, the Bible and Torah clearly and explicitly describe the components of creation or mention the temptation of Eve by the little devil (snake), and Adam, following Eve, was deceived and tempted. However, the Quran attributes this temptation to both of them simultaneously, saying: "So they ate of it, and their private parts became apparent to them, and they began to cover themselves with leaves from the garden. And Adam disobeyed his Lord and went astray" (Taha, 121). Some interpreters do not consider this preference to be based on gender, but rather on the level and degree of devotion and piety. Therefore, the differences that we witness today in Islamic societies in the presence of women are mainly a function of "jurisprudence" and not the text of the Quran. The text mentions differences in some rights. In Judaism and Christianity, the same prohibitions are mentioned as those in Islamic societies, such as the prohibition of women holding positions of authority, the prohibition of women judging, and the necessity for women to obey men in the family. Thus, patriarchy is clearly evident in Christianity and Judaism, and unfortunately, it must be said that it is also evident in Islamic societies. However, in the Quranic view, superiority is based only on piety, and gender plays no role in this superiority. Therefore, it can perhaps be said that the infiltration of Israelite elements into the culture of Islamic societies in the name of Islam and sometimes even into jurisprudence is evident.

جایگاه زن در کتب آسمانی تورات، انجیل و قرآن (مطالعه تطبیقی)

اشرف بروجردی

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. abrujerdi@yahoo.com

DOI: 10.22034/iscw.2023.713433

چکیده: در این مقاله براساس کتب آسمانی و ادیان ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهود) که منادی توحید هستند جایگاه زنان مورد بحث است. با این رویکرد که مسیحیت و یهودیت در گذر زمان دچار تحریف‌هایی شده‌اند و امروزه انجیل (کتاب مقدس مسیحیت) در کتبی به نام‌های (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) یا همان عهد جدید یا کتاب مقدس که در سال‌های ۶۶ تا ۱۱۰ میلادی نوشته شده‌اند مورد توجه است و کتب یهود که بسیار موسع است اما در مجموع به نام‌های تورات عبری و تورات سلمری از آنها یاد می‌شود. در این مقاله به موضوع منزلت و جایگاه اجتماعی زنان در این سه آیین مطالعه می‌شود. در آفرینش در الفاظ تفاوت‌های عمیقی در رویکرد به خلقت زن و مرد وجود دارد اما در اصل این تفاوت‌ها اندک است و رویکرد به خلقت زن همان رویکرد یهودیت است. ثانیاً در قرآن تصریحی در چگونگی آفرینش نشده است. نکته دیگر ارجحیت و افضلیت مرد بر زن است که خیلی روشن در تورات و انجیل از آن یاد شده اما در قرآن حضور زن و مرد در اجتماع و خانواده یکسان مورد توجه است اگرچه از لفظ «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ» استفاده شده است برخی از مفسرین این افضلیت را تابع جنسیت نمی‌دانند بلکه تابعی از سطح و میزان تعبد و تقوی ذکر می‌کنند بنابراین تفاوت‌هایی که امروز در جوامع اسلامی برای حضور زنان شاهد هستیم عمدتاً تابعی از «فقه» و نه از متن قرآن است، در متن تفاوت‌ها در برخی از حقوق بیان شده است. در آیین یهود و مسیحیت از همان ممنوعیت‌هایی یاد می‌شود که در جوامع اسلامی ذکر شده مثل ممنوعیت در مرجعیت، ممنوعیت در قضا، ضرورت تبعیت زن از مرد در خانواده و... بنابراین مردسالاری در آیین مسیحیت و یهود کاملاً مشهود است و متأسفانه باید گفت که در جوامع اسلامی هم مشهود است ولی در نگاه قرآن تفوق فقط به تقوی است و جنسیت نقشی در این تفوق ندارد. بنابراین شاید بتوان گفت که نفوذ اسرائیلیات در فرهنگ جوامع اسلامی به نام اسلام و بعضاً در تقفه نیز مشهود است.

صص:

۱۸-۱

مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۲۰

کلید واژه‌ها:

قرآن،

انجیل،

تورات،

منزلت زن،

حضور اجتماعی،

مشارکت سیاسی

مقدمه

زنان به عنوان منشأ تولید و آفرینش انسان در خلقت و نقش آنان در خانواده و محافظت از نسل بشر مورد توجه همه ادیان آسمانی است و بیشترین توجه کتب آسمانی در سلامت و حفظ حریم خانواده را زنان متکفل می‌شوند و از آنجا که باورهای دینی در زندگی انسان‌ها به عنوان مهمترین پایگاه و پناهگاه لحاظ شده و مردم براساس باورهای دینی خود زندگی می‌کنند برای حفظ این حریم دستورات و فرامین و رویکردهایی بیان شده است. لذا مباحث مطرح شده در طول تاریخ در خصوص زنان بعضاً به افراط یا تفریط کشیده شده است. آنچه در این زمینه قابل توجه است آموزه‌های ادیان آسمانی است، آیات و کلمات متعددی در تورات، انجیل و قرآن به موضوع زن پرداخته شده است که هریک نشانگر اهمیت آن در این متون مقدس است (وحیدی، ۱۳۹۹) و آفرینش انسان و تمام موجودات هم با جمال نفسی و ذاتی و هم با زیبایی نسبی آمیخته است خواه در قلمرو موجودات مادی و خواه در قلمرو موجودات معنوی (جوادی آملی، ۱۳۸۵) و از آنجا که ادیان الهی ریشه در علم و حکمت و رحمت بیکران الهی دارند و همگی به هدفی واحد می‌خوانند، زیباترین، زلال‌ترین و بهترین تعالیم آن است که از سرچشمه وحی ادیان الهی نشأت گرفته باشد هرچند ما با اختلافاتی در برخی از معارف مکتوب مواجه می‌شویم (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

انطباق جایگاه زنان در ادیان الهی که در این مقاله به آن می‌پردازم دربرگیرنده آفرینش، سلوک فردی و اجتماعی و نیز جایگاه آنان در خانواده و حفظ حریم آنان مربوط می‌شود. اما قبل از آن باید توجه شود که زنان به عنوان انسان همان قوانینی بر آنها مترتب است که بر مردان وارد شده است. زنان در خلقت از همان نوع و جنسی آفریده شده‌اند که مردان آفریده شده‌اند فراموش نکنیم که همه ادیان آسمانی دارای نگاه مشترک به زن هستند چون منبع ارسال همه ادیان به یک خدای واحد برمی‌گردد بنابراین بحث ما در این زمینه بر مبنای کتاب‌های آسمانی فعلی است که به باورم و باور همه مسلمانان تورات و انجیل در طی زمان دچار تحریف‌هایی گردیده‌اند و نگاهم در این مقاله به زن در سه کتاب تورات، انجیل و قرآن براساس کتب مقدس فعلی است لذا رویکرد به وجود آمده توسط قدیسن، علمای دین و اصحاب کنیسه به زنان ما را دچار تعارضاتی قرار می‌دهد که در بخش‌های مختلف از جایگاه و منزلت زنان در این سه کتاب آسمانی به آن پرداخته می‌شود. در حالی که دوران مدرنیته، دنیایی بدون زن را تصور می‌کرد اگرچه زنان به لحاظ مذهبی می‌توانستند از آزادی نسبی

برخوردار باشند و در صومعه‌ها حضور یابند و در کلیساها به عبادت بپردازند و در مساجد نماز را اقامه کنند اما بعدها زنان از ورود به کلیسا دور ماندند و در بعضی از کشورهای اسلامی از حضور زنان در مساجد ممانعت به عمل آمد که بعضاً هنوز هم ادامه دارد. از نظر نوبل^۱ تنفر از زن و محروم کردن او از علم‌جویی از خصیصه‌های اصلی جامعه مدرن به حساب می‌آمد. یعنی تبعیض‌گرایی بین زن و مرد که در دوران مدرنیته رواج داشت در این دوران این عقیده که مردان برتر از زنان هستند زمینه‌های خشونت علیه زنان را فراهم کرده بود اما از سال‌های ۱۹۵۰ به بعد اعاده حقوق برابر و عادلانه برای زنان و احیای نقش‌های لازم اجتماعی برای آنان ظهور پیدا کرد و به نام فمینیسم که در مقابل مدرنیسم و به عنوان یک حرکت پست مدرنیستی پا به عرصه گذاشت (صلیبی، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۱۴) لذا زنان نقش‌های اجتماعی متعددی را عهده‌دار شدند. حضور آنان در نهادها و گروه‌های گوناگون هرکدام وجهی از هویت آنان را بر ساخت، روش زندگی نیز با هویت شخصی آنان مرتبط است و بیش از پیش در ساخت هویت شخصی آنان اهمیت یافته است (صلیبی، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۱۴). اینک نگاهی به این سه کتاب مقدس می‌افکنیم تا رویکرد ادیان آسمانی را مورد بررسی قرار دهیم این بحث در دو حوزه آفرینش و جایگاه و منزلت زنان در خانواده و اجتماع مورد توجه است:

آفرینش زن در نگاه تورات

وقتی آیات عهد عتیق درباره خلقت اولیه زن را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که در آفرینش آدم و حوا دوگونه روایت وجود دارد. در روایت نخست، آفرینش انسان را به صورت کلی مطرح کرده و از خلقت زن نیز به طور کلی یاد کرده است این روایت که به صورت کلی آفرینش مرد و زن (آدم و حوا) را مطرح می‌کند هیچ اصلتی به وجود مرد یا فرعیّت وجود زن نمی‌دهد (وحیدی، ۱۳۹۹): سرانجام خداوند فرمود انسان را شبیه خود بسازیم تا بر حیوانات، زمین و دریا و پرندگان آسمان فرمانروایی کند. پس خدا انسان را شبیه خود آفرید. او انسان را زن و مرد خلق کرد و ایشان را برکت داده فرمود بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید، بر آن تسلط یابید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید (سفر پیدایش: ۲۶ و ۲۸).

1. Nobel

اما در روایت دوم خلقت مرد را اصل دانسته و خلقت زن را برگرفته از زواید وجود مرد می‌داند، مفسران کتاب مقدس از این گزار، کتاب مقدس دفاع نموده و هرگونه خلل و شک و شبهه در آن را رد می‌کنند در تورات درباره این وجه از آفرینش چنین آمده:

«آنگاه خداوند از خاک زمین آدم را آفرید، سپس در بینی آدم روح حیات دمیده و به او جان بخشیده و آدم موجود زنده‌ای شد. خداوند فرمود شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای او یار مناسبی به وجود بیاورم. آنگاه خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از دنده‌هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد و از آن دنده زنی را آفرید و او را پیش آدم آورد. آدم گفت این استخوانی است از استخوان‌هایم. گوشتی از گوشتم. نام او نساء باشد چون از انسان گرفته شده است» (سفر پیدایش: ۷-۳۱). این روایت به صراحت خلقت زن را از مرد و فرع بر وجود زن می‌داند. در شرح و تفسیر آیات و کلمات عهد عتیق همین روایت دوم تأیید و مورد توجه واقع شده است و اینکه مقصود از روایت دوم همان اصل بودن خلقت مرد و طفیلی بودن خلقت زن است آنجا که می‌گوید: «خداوند منتظر نماند تا آدم به طور طبیعی به خواب برود بلکه او را به خواب عمیقی برد تا دردی را احساس نکند و این عملیات جراحی را انجام داد» (ماکنتوش، ۱۹۸۰: ۶۹-۷۳) و در جای دیگر مطرح کرده‌اند که خداوند مستقیماً از روح خود در انسان دمیده و مراد از انسان حضرت آدم بوده است. چون حوا را از پیکره آدم آفریده شده. لذا شیطان بر او مسلط شد و او را فریب داد» (ماکنتوش، ۱۹۸۰: ۶۹). گناه اولیه (خطای حوا) نیز یکی از موضوعاتی است که در عهدین مطرح شده و در تحلیل شخصیت زن تأثیر بسزایی دارد. عهد عتیق گناه اولیه را بر گردن حوا انداخته او را عامل آن می‌داند. و اولین گناهکار در عالم معرفی می‌کند و چنین می‌نگارد: و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند ساخته بود هشیارتر بود. او به زن گفت آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟ زن به مار گفت: خدا گفت از آن مخورید و آن را لمس نکنید مبادا که بمیرید. مار به زن گفت: هر آینه نخواهید مرد. چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست پس از میوه‌اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و به او خورد آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریان‌اند پس برگ‌های درخت انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند و آواز خدا را شنیدند، خداوند گفت: آیا از آن درختی که تو را قدغن کرده بودم که از آن نخوری خوردی؟ آدم

گفت: این زنی که قرین من ساختی از این میوه به من داد که بخورم (سفر پیدایش: ۱-۱۹).

بنابراین عهد عتیق صراحتاً اشاره می‌کند که حوا گناه اولیه را مرتکب و موجب اغوای آدم شد. مفسران و شارحان آیات فوق نوشته‌اند: شیطان چون دید نمی‌تواند به آدم راه یابد حوا را که ضعیف‌النفس تر بود برای رسیدن به آدم انتخاب کرد و بدین ترتیب آدم اغوا شد (ماکتوش، ۱۹۸۰: ۷۸) لذا طبق این آیات عهد عتیق و تفسیری که ارائه کردند زن عامل گناه اولیه و موجب انحراف نسل‌های بعدی دانسته می‌شود (قادری، ۱۳۹۹). همچنین گناه اولیه زن از ضعیف‌النفس بودن او دانسته می‌شود یکی دیگر از موضوعاتی که در عهد عتیق و عهد جدید مورد توجه است برتری فرزند پسر بر دختر است در تورات درباره فرزند دختر آمده است: «کاملاً مراقبش باش تا مورد تمسخر دشمنان واقع نشوی و انگشت‌نمای شهر نشوی، نقل هر مجلس نگردی و آبروی تو را نبرد» (جامعه سلیمان، ۱۱:۴۲). در عهد عتیق به صراحت آمده است: «تولد فرزند دختر ضرر و زیان است» (سفر لویان: ۲-۵) در تلمود که تفسیری بر تورات است چنین آمده است: «خوشا به حال کسی که همه فرزندانش پسر و وای بر کسی که همه فرزندانش دختر باشند» (کوهن، ۱۳۸۲: ۱۹۰).

آفرینش در نگاه انجیل

آموزش رسمی یهودیت قطعاً مردسالار بوده و زنان آن روزگار در طبقه‌بندی اجتماعی و روحانی در مرتبه دوم اهمیت قرار داشتند اما در اوایل عهد جدید و در دوره تأسیس نخستین کلیسا آنها از احترام و جایگاه خوبی برخوردار بوده‌اند. اگرچه اغلب نقش عملی آنها به عنوان مادر و کدبانو تغییر نیافت، برای بررسی هویت زن در مسیحیت و ترسیم چهره زن و حقوق او در این آیین اگرچه به حکم نظام آفرینش تکامل خود را در امر همسر شدن و مادر شدن می‌یافت از این پس و در آفرینش جدید از راه بکارت نیز می‌توانست به کمال خود برسد (صلیبی، ۱۳۸۵: ۱۰۸). در عهد جدید آمده است: خدا اول آدم را آفرید بعد حوا را، آدم فریب نخورد بلکه زن فریب شیطان را خورد و در تقصیر گرفتار آمد (رساله اول پولس به تیموتئوس: ۱۲-۱۴). بنابراین عهد جدید نیز زن را عامل گناه اولیه و مسؤول همه بدی‌های عالم معرفی می‌کند. در آیات عهد جدید آمده است: «حوا نمی‌دانست ماری که با او صحبت می‌کرد همان شیطان است که خود را به صورت مار ظاهر کرده است» (مکاشفه:

۲۰). بنابراین هم عهد قدیم و هم عهد جدید، به صراحت از گناه اولیه سخن گفته و زن را محور آن قرار داده‌اند. همچنین زن را عامل بدبختی و انحراف تمام بشر معرفی کرده‌اند و برخی نیز متأسفانه نتیجه گرفته‌اند که راه نفوذ و تسلط بر مرد و اغوای او از طریق زن است و زن قوی‌ترین ابزار شیطان است (قادری، ۱۳۹۹).

درباره خلقت دختر نیز مسیحیت همچون یهود می‌اندیشد به طوری که به صراحت در انجیل آمده که ناپاکی‌ها به هنگام تولد دختر دو برابر تولد پسر است. عهد جدید با مطرح کردن وجدان پاک که موجب فرار از شر و روی آوردن به حقیقت می‌شود قائل به فطرت الهی در انسان شده است. همچنین در عهد عتیق و عهد جدید آیاتی وارد شده که نشان‌دهنده کرامت انسانی است و محوریت این کرامت «انسان» بدون توجه به جنسیت آن بدین معنی که هم زن و هم مرد از این کرامت انسانی و ودیعه ذاتی برخوردار هستند (وحیدی، ۱۳۹۹).

اما مسیحیان یک اندیشه غلط را در تاریخ مذهبی جهان وارد کردند که اساساً زن عنصر گناه و فریب است. یعنی شیطان کوچک است، مرد به خودی خود گناه نمی‌کند و این زن (شیطان کوچک) است که همیشه وسوسه می‌کند و مرد را به گناه می‌اندازد گفته‌اند که اساساً قصه آدم و حوا اینطور شد که شیطان نمی‌توانست در آدم نفوذ بکند. از این‌رو آمد و حوا را فریب داد و حوا آدم را فریب داد. لذا شیطان بزرگ زن را و زن مرد را وسوسه می‌کند (مطهری، ۱۴۰۱: ۱۱۷). درباره چگونگی خلقت آدم و حوا در عهد جدید همان مطالب عهد قدیم مورد تأیید است در جایی می‌گوید: و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند زیرا که آدم اول ساخته شده و بعد حوا در رساله پولس از عهد جدید می‌خوانیم: به همین‌طور باید مردان زنان خویش را مثل بدن خود محبت نمایند زیرا هرکه زوجه خود را محبت نماید خویشتن را محبت می‌نماید زیرا هیچ‌کس هرگز جسم خود را دشمن نداشته است بلکه آن را تربیت و نوازش می‌کند. چنان که خداوند نیز کلیسا را از آن‌رو که اعضای بدن وی می‌باشیم (از جسم و از استخوان‌های او) اینجاست که مرد پدر و مادر را رها کرده با زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند بود. در عهد جدید در اینکه اشتباه و خطا از حوا سر زده و آدم فریب نخورد تأکید شده است (عهد جدید، رساله پولس به افسسیان، ۵: ۲۸-۳۲).

سرآغاز آفرینش زن از دیدگاه قرآن

در نگاه قرآن زنان همچون مردان برخوردار از کرامت هستند و خلقت آنان از یک جنس و به طور جداگانه ذکر شده که از آن تعبیر به خلقت «انسان» یا «آدم» می‌شود آنجا که می‌فرماید:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (۱۲) ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۲-۱۴) به عبارت دیگر خلقت اولیه را از گل ذکر می‌کند و ادامه آن را از نطفه که از آن تعبیر به علق می‌شود آنجا که می‌فرماید: «أَفَرَأَى بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)» (علق: ۱-۲) و در ادامه تعبیر قرآن به خلقت «نفس واحده» است آنجا که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبُّهُمَا لِيُنْزِلَ لَهُنَّ صَالِحًا لِيُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۸۹) اکثر مفسرین در تفسیر کلمه «منها» مراد از جنس آنها است آنجا که می‌فرماید: «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى» (قیامت: ۳۹) همانگونه که مرد زوج زن است زن هم زوجه مرد است و خلقت زن برای تأمین آرامش و آسایش مرد و در نهایت آرامش جامعه است. خداوند می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱) در این آیه نیاز هریک از دو جنس به دیگری و همچنین تکمیل همدیگر را بیان می‌کند این آرامش و سکون طرفینی است طرفینی بودن این مودت و رحمت از واژه «ازواجها» استفاده می‌شود چرا که واژه زوج که جمع آن ازواج است به معنای همسر است و به هریک از زن و مرد اطلاق می‌شود (مهریزی، ۱۳۸۲: ۵۰).

پس از خلقت همسر آدم، خداوند می‌فرماید که در بهشت ساکن شوند و از هر میوه که بخواهند میل نمایند ولی به یکی از درختان اشاره می‌کند که به آن درخت نزدیک نشوند که نزدیکی به آن درخت موجب ظالم شدن آنان می‌گردد: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵) و به آنان هشدار داده بود که شیطان دشمن آنان می‌باشد و مواظب باشند که آنان را از بهشت

خارج نکند که به رنج و زحمت خواهند افتاد: «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (طه: ۱۱۷).

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت ای آدم آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى» (طه: ۱۲۰).

و در سوره اعراف آمده که شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود آشکار سازد و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرد، مگر به خاطر اینکه اگر از آن بخورید فرشته خواهید شد یا جاودانه خواهید ماند و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم پس به این ترتیب آنها را فریب داد و از مقامشان فرود آورد و هنگامی که از آن درخت چشیدند اندامشان بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های درختان بهشتی بر خود تا آن را بپوشانند و پروردگارشان آنها را ندا داد که: «آیا شما را از آن نهی نکردم و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟ بدین ترتیب آدم پروردگارش را نافرمانی کرد پس گمراه شد آنگاه آدم و همسرش از کرده خود پشیمان شدند و گفتند: «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف: ۲۳) گفتند: پروردگارا ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشایی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیانکاران خواهیم بود.^۱ این رویکرد قرآن نسبت به خلقت زن همان رویکرد نسبت به خلقت انسان است و تفاوت این رویکرد با آنچه که در تورات و انجیل ذکر شده در ظاهر بسیار متفاوت است اما در توجیه «خلق منها زوجها» در جایی دیگر می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱) این همانی را فقط می‌رساند و نه همزمانی در خلقت آدم و حوا.

بنابراین باید در تفسیر این آیات اصحاب علم و اندیشه غور بیشتر و توضیح عمیق‌تری را ارائه نمایند. بنابراین با توجه به آیات متعددی از قرآن درباره خلقت زن مطرح شده مبرهن می‌شود که زن همچون مرد در آفرینش استقلال دارد و خلقت او اصیل است.

۱. براساس مطالعات انجام شده توسط ن. درویشی، سیده فهیمه عبادی و رستمیان. ۱.

جایگاه زن در خانواده و اجتماع

منزلت زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه تورات

انسان «نر و ماده» آفریده شده (سفر پیدایش، ۱: ۲۷) در تورات نقش دوگانه زن نسبت به مرد به عنوان همسر و مادر تعریف شده است و از عمق وجود «آدم» آفریده شده و با او هم سرشت است (صلیسی، ۱۳۸۵: ۱۱۰) اینک آدم تنها نیست. او به عنوان «زوج» در کنار یک زن که «زوجه» نامیده می‌شود قرار دارد که در زبان عبری به «ایش» و «ایشیا» خوانده می‌شود. برحسب طرح الهی آفرینش زن از راه همسری مکمل مرد می‌گردد این رابطه بین زن و مرد در عین تفاوتی که وجود دارد براساس اصل مساوات باقی بماند اما گناه نخستین آنها را از این وضع منحرف نموده زن را تابع مرد گردانید (سفر پیدایش، ۳: ۱۶). زن دارای نقش محدودی در آیین یهود است. حق او در منزل تا آنجا که به تعلیم و تربیت مربوط می‌شود با حق شوهرش مساوی است اما شریعت موسی مقام درجه دومی را برای وی قائل است. یک زن رسماً در آیین‌های مذهبی شرکت نمی‌کند اما می‌تواند در شادی و جشن‌های عمومی شرکت جوید (سفر خروج، ۱۵: ۲۰-۲۱، تثنیه ۱۲: ۱۲، داوران ۲۱: ۲۱، سموئیل ۲-۶) در ضمن هیچ نوع وظیفه و تکلیف کهناتی برعهده او گذارده نمی‌شود و فقط مردها مکلف هستند به زیارت‌های واجب عزیمت کنند (سفر خروج، ۲۳: ۱۷). در قوانین تلمود کاهن اعظم حق ندارد بیش از یک زن داشته باشد. زن در محیط خانه یهودی به خاطر تقدس خانواده برتری بی‌چون و چرایی پیدا می‌کند.

ویل دورانت می‌گوید: در یهودیت، خانواده تقدیس می‌شود و از لحاظ سازمان اجتماعی آن را در منزلتی قرار می‌دهند که تنها هیکل (معبد اورشلیم) از آن بالاتر است این والاتباری در تمام قرون وسطی و قرون جدید مراعات می‌شد اما وقتی انقلاب صنعتی معاصر آغاز شد مقام خانواده نیز متزلزل گردید و انحطاط یافت (معزی، ۱۴۰۱). اما چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید آیاتی وارد شده که نشان‌دهنده کرامت ذاتی انسان است یعنی محوریت کرامت «انسان» است بدون توجه به جنسیت آن بدین معنی که هم مرد و هم زن از این کرامت انسانی و ودیعه ذاتی برخوردار هستند (قادری، ۱۳۹۹). در عهد عتیق آمده است: و خدا به آنچه آفریده بود نظر کرد و همانا بسیار نیکو بود (سفر پیدایش، ۱: ۳۱). بنابراین عهد عتیق کرامت را مختص وجود آدمی دانسته او را مسلط بر تمامی حیوانات و موجودات مطرح کرد،

و در این بیان خود هیچ امتیازی بین زن و مرد قائل نشده است. اما گناه نخستین موجب این گردید که زن تابع مرد باشد اگرچه زن نه تنها بوجودآورنده جامعه بشری بلکه مادر جمیع زندگان نیز شد بهرحال شریعت موسی مقام درجه دومی را برای وی قائل است (سفر پیدایش، ۱۶:۳). مرد از زن وفاداری کامل در امور زناشویی را می‌خواهد در حالی که خود را مکلف به آن نمی‌داند «ده فرمان» احترام و شأن مساوی را برای دو والد قرار می‌دهد و در قانون «لاویان» در مورد فردی که به پدر یا مادر خویش دشنام می‌دهد تنبیهی یکسان در نظر گرفته شده است. در عهد عتیق از شوهرانی سخن می‌رود که زنان خویش را عمیقاً دوست داشته با آنها به نحو برابر رفتار می‌کردند. مرد رویای خود را چنین بیان می‌کند: «هر که زوجه‌ای یابد سعادت را هم یافته است» (امثال ۱۸:۲۲، ۵: ۱۵-۱۸). این رویاها به معنای داشتن «معاون موافق خود» و تکیه‌گاهی استوار و یافتن محیطی صمیمی برای خویش و پیدا کردن آشیانه‌ای برای مقابله با آوارگی و سرگردانی است (بن سیراخ، ۳۶: ۲۴-۲۷). یافتن زن به معنای یافتن زیبایی است که ابهت مرد را تأیید کرده و به وی اعتماد به نفس می‌بخشد چه بهتر که این زن شجاع هم باشد (امثال ۱۱:۱۶، ۴:۱۲، ۳۱: ۱۰-۳۱). اما دختران جوان اسباب نگرانی هستند. دختران همانند پسران در زندگی خانوادگی مشارکت دارند. آنها اغلب همراه پسران در جشنواره‌های مذهبی گروه‌بندی می‌شوند. به نظر می‌رسد که زن بر زندگی مذهبی خویش که خود در آن نقشی عهده‌دار نیست به دلخواه اعمال نفوذ می‌نماید (صلیسی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). به رغم این احترام و نفوذ زنان از حقوق مشابه مردان برخوردار نبوده‌اند. از آغاز نشانه‌هایی وجود دارد که زنان در مقایسه با دیگر افراد مانند دارایی در نظر گرفته می‌شدند. از زن در کنار املاک، خدمتکاران و حیوانات یاد می‌شد اگرچه کلمه خاصی برای متمایز بودن او از بقیه مایملک مرد به کار می‌رفت. همسران شوهران خود را «ارباب» می‌نامیدند، همچنان که یک برده پادشاه را خطاب می‌کند. یک زن قادر نبود نه از همسر خود جدا شود و نه می‌توانست بدون رضایت همسر یا پدر خویش عهد یا نذری را بپذیرد؛ اگر همسر یا پدر رضایت نمی‌داد آن عهد یا نذر باطل و نفی می‌شد. دختران و همسران نمی‌توانستند از مایملک پدر یا همسر خود ارث ببرند مگر آنکه همسر ارثی نداشته باشد (صلیسی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). در عهد عتیق دیده می‌شود که موسیس به دخترانی که هیچ برادری نداشتند و پدر مرده بودند گفت که به آنها قطعه معلومی از زمین پدر داده شود و آنها در مقابل قول دهند که با مردی از قبیله پدر ازدواج کنند. دختران

می‌توانستند در مواقعی مانند برده‌ها فروخته شوند و احتمالاً رها نشوند مگر آنکه دختر سیغۀ ارباب شود و او را نپسندد. سپس او می‌تواند، آزاد شود. در مجموع می‌توان گفت مردسالاری بر فضای قوانین مشروع عهد عتیق در مورد زنان حاکم است (ferguson, 1996:256). هم پدر و هم مادر هردو شایسته احترام هستند. رعایت قوانین، رعایت قوانین غذایی بر هردو جنس واجب است. عهد عتیق نسبت به خطرات سوءاستفاده از قدرت حساس است و بر عدالت در مورد کسی که مورد ظلم قرار گرفته تأکید دارد و به زنان به عنوان موضوع یگانه ستم افراطی آگاهی می‌دهد. شوهر می‌تواند زنش را طلاق دهد اما آن زن می‌تواند به وسیله کلام «رهاسازی» حمایت شود و هدف این کار حفاظت از سرنوشت او در برابر بهره‌کشی از وجود اوست. در سفر خروج چنین آمده است: بر بیوه زنی یا یتیمی ظلم نکنید و هرگاه بر او ظلم شود و او نزد من فریاد برآورد، البته فریاد او را مستجاب خواهم نمود. این مثالی است در رابطه با حساسیت نسبت به عدالت و شفقت نسبت به کسانی که به وسیله یک جامعه گناه‌آلود و ستمگر در حاشیه قرار گرفته‌اند. در توصیف عهد عتیق از زنان جامعه عبری و در موضوع و عبارت، شباهت‌های آشکاری با آداب و رسوم فرهنگ باستانی خاور نزدیک وجود دارد، نقش‌های سنتی اجتماعی زنان دگرگون شد. کودکان دیگر در حوزه قیمومت مادر نبودند. همسر ایده‌آل هم در خارج و هم در خانه کار می‌کند. گرچه معمول نبوده است زنان می‌توانستند به هر شغلی در جامعه عبری آن زمان غیر از کهانت، نبیه بودن و قضاوت بپردازند. بی‌شباهت به دیگر مذاهب شرق نزدیک باستان هیچ نبیه‌ای وجود ندارد. تصویر زن با تمام ویژگی‌های مذکور هنوز رتبه و مقام درخورش را به او اعطا نمی‌کند. دعای روزمره یهودیان در این ایام به صراحت چنین بیان می‌کند:

«خداوندا، متبارک هستی که مرا کافر، زن یا نادان نیافریدی (لئون دوفور، ۱۳۸۰: ۳۰۸)»
در حالی که زن با تسلیم و رضا می‌گوید: «خداوندا، متبارک هستی که مرا مطابق اراده خود آفریدی».

منزلت زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه انجیل

در انجیل مقام و منزلت زن در آفرینش همان توصیف تورات است با اندک تفاوتی که به آن می‌پردازم. مسیح (ع) در فضای اجتماعی ستم‌آلود و طرفدار شرع آن دوران، نبوت خود را

آغاز کرد و نگرش جدید و کلی‌ای را نسبت به زنان مطرح نموده، او هیچ قانون تازه‌ای را جدا از حکم الهی «یکدیگر را دوست بدارید» مطرح نکرد همانگونه که او هرگز نهاد بردگی را محکوم نکرد، هرگز پیشنهاد نمود که به زنان باید آزادی اجتماعی بیشتر و پایگاه فردی بالاتر داده شود اما تعالیم بیشتری را عرضه کرد بخشی از تعالیم او نسبت به زنان بود. منزلت زن در آیین مسیح در روز مژده فرشته به مریم به زن عطا کرد (غلاطیان، ۴: ۴). پیام کامل انجیل درباره زنان نه تنها طرفدار تساوی انسانی در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است بلکه پیمان الهی را مدنظر قرار می‌دهد که محتوای رهاسازنده آن بر انسانیت و خلقت مبتنی است. نزدیک‌ترین مفهوم آن تعریف کتاب مقدس است از اینکه ما که هستیم و خلقت انسان، اعم از زن و مرد براساس تصویر خداوند صورت گرفته است (سفر پیدایش، ۱: ۲۷). ارتباط طبیعی بین زن و مرد براساس رابطه مسیح با کلیسا است اکنون جایگاه زن نه تنها در مقابل «آدم» است بلکه در مقابل مسیح نیز قرار می‌گیرد و سمبل کلیساست. «ای زنها، از شوهران خود اطاعت کنید که از خداوند اطاعت می‌کنید» (افسیان، ۵: ۲۲ و ۲۳ و ۲۴). انجیل در باب اهمیت ازدواج به مردان نیز گوشزد می‌کند که همسران خود را طوری دوست بدارید که مسیح کلیسای خود را دوست داشت زن و شوهر در واقع یکی هستند پس وقتی شوهر همسرش را محبت می‌کند در اصل به خویشتن لطف و محبت کرده است. در انجیل چنین آمده: «هرکس زن خود را به هر علتی غیر از علت زنا طلاق دهد و با زن دیگری ازدواج کند زناکار محسوب می‌شود» (متی، ۱۹: ۹-۱۳) اگرچه در آغاز، ایمان بر اختلاف بین زن و مرد فائق آمده بود به مرور زمان این اختلاف دوباره زنده گشت و خود را بر نظام کلیسای تحمیل نمود (صلیبی، ۱۳۸۵: ۱۱۳). پولوس با در نظر داشتن نظام آفرینش به دو جنبه رفتار زن اشاره می‌کند: اول اینکه در اجتماع عبادی زن باید با سر پوشیده حاضر شود. زن با این انگاره نشان می‌دهد که شأن مسیحی او را از اطاعت شوهر و حفظ مقام دومی که در تعلیم شرعی به او داده شده معاف نمی‌سازد (قرنتیان، ۱۱: ۱۶-۱۲). همچنین زن اجازه ندارد در کلیسا تعلیم دهد. اگرچه پولوس امکان نبوت را برای زن نفی نمی‌کند (قرنتیان، ۱۱: ۵). زنان در جلسات باید ساکت باشند آنها نباید سخن بگویند بلکه باید گوش کنند و اطاعت نمایند. تورات فرموده است که زنان اگر سوآلی دارند در خانه از شوهران خود بپرسند (قرنتیان: ۳۴-۳۵). زنان در طرز پوشاک و آرایش خود باید باوقار باشند زنان مسیحی باید برای نیکوکاری و اخلاق خوب مورد توجه قرار گیرند.

نه برای آرایش مو یا آراستن خود به زیورات و لباس‌های پرزرق و برق. بیوه زنان باید به نیکوکاری معروف بوده فرزندان خود را به خوبی تربیت کنند و در آخر اینکه بسیاری از زنان روشنفکر عصر حاضر به اعتقادات پولوس رسول درباره حقوق زنان در مسیحیت اعتراض می‌نمایند و تعلیمات وی را نسبت به زنان عادلانه نمی‌دانند. اما آنچه مسلم است مسیحیت به آزادی و برابری حقوق زن و مرد تأکید دارد. عیسی نخستین بار منشور حقوق زن و مرد را تصویر می‌کند (صلیبی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

منزلت زن در خانواده و اجتماع از نگاه قرآن

در نگاه نخست به جایگاه زن در خانواده در نگاه قرآن شاید این آیه گویاترین رویکرد به منزلت زن باشد که خداوند می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱) پس زن در نگاه قرآن عامل آرامش و امنیت درون خانواده است و جایگاه زن در خانواده حفظ حریم آنچه توسط زن و چه توسط مرد یعنی که زوجین برای تأمین امنیت خانواده و زدودن تنش و ایجاد فضای آرام برای اعضاء خانواده باید پشتیبان یکدیگر باشند. خداوند در این خصوص می‌فرماید: «... هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ...» (بقره: ۱۸۷) این آیه بر پوشاندن عیوب یکدیگر هم هست به عبارت دیگر در مناسبات بین فردی بیشترین تأکید بر توجه به نقاط مثبت زوج یا زوجه است که این توجه موجب نثار عشق و محبت به یکدیگر می‌شود و همین امر امنیت و آسایش را فراهم می‌کند. خداوند در این خصوص می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹) دستوراتی که در این آیه از سوی خداوند به مردان ابلاغ شده عبارتند از:

- در زمان جاهلیت وقتی مردی از دنیا می‌رفت همسرش به عنوان ارث باید به یکی از وراث داده می‌شد که در اینجا اشاره به ممنوعیت این امر و اجبار به انجام آن است که تعبیر این آیه به ارث بردن از روی اکره است. برخی از مفسران «ترثوا» را به ارث بردن مایملک زنان می‌دانند (طالقانی، ۱۳۹۸: ۳۵۶).

- نکته دوم حرمت این ارث است و خداوند چنین ارثی را حرام دانسته (وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ)

- و نکته سوم رفتار نیک داشتن با آنها است که کرامت آنها حفظ شود تعبیر قرآن و عاشروهُنَّ بالمعروف است.

- و در جای دیگر خداوند تأکید بر پرداختن حقوق زنان در هنگام متارکه یا مرگ می‌کند آنجا که می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» (نساء: ۴) و این رعایت حقوق آنان عمدتاً ناظر بر حقوق مادی است مثل مهر، صدق اجرت‌المثل و غیره.

به همین دلایل قرآن با کسانی که ولادت دختر را ننگ می‌شمارند و آنها را می‌کشند برا این نکته تأکید دارد که عذاب الهی در کمین آنها است: «وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷) وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر: ۷-۹) (و هنگامی که نفوس خلق همه با همجنس خود در پیوندند (۷) و هنگامی که از دختران زنده به گور شده باز پرسند (۸) که (آن بی گناهان) به چه جرم و گناه کشته شدند؟!). اسلام هیچ تفاوتی بین پسر و دختر قائل نیست و حتی تولد دختر را هدیه از جانب خداوند می‌داند «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر: ۱) و در جای دیگر می‌فرماید: خداست تنها مالک آسمان‌ها و زمین و هر چه را که بخواهد می‌آفریند. به هر که بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر عطا می‌کند. «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَّا نَاهٍ وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ» (شوری: ۴۹).

قرآن هرگز نمی‌گوید که هیچ زن درستکاری وجود ندارد. بلکه همه مؤمنان چه زن و چه مرد به تبعیت از آن دسته از زنان که مانند حضرت مریم (س) و آسیه زن فرعون هستند راهنمایی می‌کند و هرکس از مرد و زن، کار نیکی، به شرط ایمان به خدای به جای آورد ما او را در زندگی خوش و باسعادت زنده می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که کرده به او عطا می‌کند. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷) و در جای دیگری می‌فرماید: مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پای می‌دارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۷۱) این رویکرد

تا جایی پیش می‌رود که پیامبر اسلام به صراحت اهانت‌کنندگان به زنان را نشانی از بی‌کرامتی و سفله بودن خود مردان به حساب می‌آورد. آنجا که می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَيْئِمٌ» (پاینده، ۱۳۹۲: ح ۱۵۲۰) به یاد داشته باشیم که پیامبر اسلام محمد (ص) با سیره رفتاری خویش به زنان همچون مردان ارزش بخشید چنان که در جریان بیعت، زنان نیز همپای مردان با ایشان بیعت کردند. در جریان ظهور و قیام منجی جهان نیز زنان خواهند بود و براساس روایت، پنجاه زن در رکاب ایشان به همراه مردان خواهند جنگید (معجم احادیث الإمام المهدی، ۱۳۸۶: ۵۰۰) در سراسر قرآن از زنان همدوش مردان در حضور اجتماعی یاد شده است. آنجا که می‌خوانیم: همانا کلیه مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان باایمان، مردان و زنان اهل اطاعت و عبادت، مردان و زنان راستگوی و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خدا ترس و خاشع و مردان و زنان خیرخواه مسکین‌نواز، مردان و زنان روزه‌دار، مردان و زنان خوددار از تمایلات حرام و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند برای همه آنها خدا مغفرت و پاداش بزرگ مهیا کرده است «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵) خلاصه اینکه صدق و ایمان و خشوع و صبر و تمام برتری‌ها میان مردان و زنان برابر بیان شده است. این آیه گویای حلیت مشارکت اجتماعی و بلکه ضرورت بر آن است و منظور از مشارکت اجتماعی حضور در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و بنای جامعه است همراه با توسعه علوم و اثرگذاری بر آراء و اندیشه جامعه و مبارزه با جهل و خرافات است آنجا که می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰) همانگونه که ملاحظه می‌شود مخاطب آیه همه مسلمانان هستند چه زن و چه مرد و زنان به دلیل نفوذ کلامشان نقش مهمی در اصلاح جامعه را عهده داراست و برای تأکید اشاره می‌کنم به این آیه که می‌فرماید:

۱. «و یجیء والله ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمكة علی غیر میعاد قرعا کفرع الخریف یتبع ۱ بعضهم و هی الآية التي قال الله: «اینما تكونوا یأت بکم الله جمیعاً إن الله علی کل شیء قدير...».

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰) قرآن برای تأکید بر این امر که زن و مرد هر دو در قبال جامعه خود مسؤولند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳) ناگفته نماند که موضوعات مربوط به زنان در قرآن بسیار گسترده است اما عمده بحث در اینجا عدم تبعیض میان زن و مرد و تأکید بر حفظ حرمت زنان به عنوان نیمی از اجتماع مورد بحث است و البته مباحث مناقشه‌برانگیز هم وجود دارد که باید در مبحث دیگری مورد توجه قرار گیرد. اعم از جایگاه مادری و اینکه به تعبیر رسول الله بهشت زیر قدم‌های آنها است و منزلت اجتماعی برای زنان و دختران و نکته مهم حفظ حقوق زنان است که این حقوق دربرگیرنده مباحث اقتصادی و بر خور داری از آزادی عمل آنان در تملیک اموال و ارث و دیه و نفقه و مهر و صداق گرفته تا مباحث اجتماعی و اختیار آنان در مشارکت‌های اجتماعی، ازدواج، طلاق شاهد بودن و امور سیاسی همچون بیعت با رسول الله، تولیت جامعه (بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ) و زمامداری در داستان بلقیس و صحنه گذاشتن بر نحوه زمامداری وی و مشارکت در امر به معروف و نهی از منکر و پاداش الهی که جنسیت بردار نیست این وجیزه عمدتاً ناظر بر ادیان توحیدی در خصوص جایگاه و منزلت زن در خانواده و جامعه است با تأکید بر این نکته که دین یهود و دین مسیح در گذر زمان دچار تحریفاتی شده‌اند که به آنها اشاره شد.

نتیجه

همانطور که گفته شد زن در آیین یهود در عصر حاضر دارای شخصیت و منزلت مستقلی نیست نه در آفرینش و نه در جایگاه اجتماعی. در این آیین زن و دختر مایه ننگ به حساب می‌آید و این کم ارزشی حتی در اندیشه، سخن و رفتار و اراده زنان نیز مورد نكوهش است و در آیین مسیحیت اگرچه توصیه‌ها عمدتاً سرچشمه گرفته از مهربانی و محبت است و به مدارا با زنان توصیه شده است اما در عین حال وجود زن به عنوان یک موجود شیطانی و شر به حساب می‌آید. در اسلام اما دریچه‌های روشنی به روی زنان باز شد، از حرمت قتل دختران تا همسانی در تولیت امور «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ

سَيِّزُحْمَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۷۱) و سیره پیامبر اسلام خود بهترین نشانه برای ارزش بخشیدن به مقام و منزلت زن در اجتماع و خانواده و صاحب کرامت ذاتی تلقی می شود. استعداد و توانایی زنان در مراتب والای کمال و قرب الهی مشهود است.

منابع

- قرآن.
 - تورات.
 - انجیل (کتاب مقدس).
۱. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق.) / *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
 ۲. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۹۲). *نهج الفصاحه*. ترجمه کاظم عابدینی مطلق، قم: ندای دوست.
 ۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *زن در آئینه جمال و جلال*. قم: اسراء.
 ۴. صلیبی، ژاسنت (۱۳۸۵). *هویت زن در مسیحیت، دوفصلنامه بین المللی حقوق بشر*، دوره ۰۱، شماره پیاپی ۱، صص ۱۰۳-۱۱۴.
 ۵. طالقانی، سیدمحمود (۱۳۹۸). *پرتویی از قرآن*. ج ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 ۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۵). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
 ۷. قادری، سیدرضی (۱۳۹۹). *سایت شیعه شناسی* <http://www.shiastudy.ir>
 ۸. کوهن، آبراهام (۱۳۸۲). *گنجینه ای از تلمود*. ترجمه از متن انگلیسی امیرفریدون گرگانی، ترجمه و تطبیق با متون عبری یهوشوع، نتن الی. تهران: اساطیر.
 ۹. لئون دوفور، گزایوه (۱۳۸۰). *فرهنگ الهیات کتاب مقدس*. تهران: کانون یوحنا ی رسول.
 ۱۰. ماکنتوش، تشارلز (۱۹۸۰م.). *کتاب مقدس، عهد عتیق*. ج ۱، مذاکرات علی سفر التکوین، مترجم ناشد ساویرس، انگلستان: کنیسه الاخوه.
 ۱۱. مطهری، مرتضی (۱۴۰۱). *روابط زن و مرد در اسلام*. تهران: صدرا.
 ۱۲. *معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام* (۱۳۸۶). ج ۱، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
 ۱۳. معزی، محمدحسین (۱۴۰۱). *زن در تورات و قرآن: تاملاتی در باب جایگاه زن*. قم: شرکت تعاونی توزیعی خانه اندیشه زحل.
 ۱۴. مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). *شخصیت و حقوق زن در اسلام*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۱۵. وحیدی، محمدحسین (۱۳۹۹). *شخصیت وجودی زن از منظر قرآن و عهدین*. سایت تخصصی شیعه.
 ۱۶. ویکی فقه، جایگاه زن در ادیان مختلف <http://fa.wikifegh.ir>
 ۱۷. Ferguson Bandete *New dictionary of theology*: Bath press 1996.
 ۱۸. Tompson J.A, *Handbook of life in Bible Time*, inter- varsity press.